

## عناوین و خطاب‌های به کار رفته در اسناد آستان قدس رضوی در دوره صفویه

علی سوزنچی کاشانی<sup>۱</sup>

### چکیده:

در دوره صفویه بعضی معتقدند که القاب و عناوین به صورت کامل افول پیدا کرد. اما با بررسی اسناد موجود متوجه می‌گردیم که القاب اشخاص شاید از بین رفته باشد اما برای هر طبقه و قشر خاصی از جامعه عناوین و خطاب‌های خاص به کار برده می‌شد و کاتبان درباری و مردم عادی در نوشته‌های خود این مسئله را رعایت می‌کردند. در این مقاله سعی شده است به صورت اختصار به معرفی عناوین و خطاب‌های به کار رفته برای کارکنان شاغل در تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دوره صفویه بپردازد.

**کلید واژه‌ها:** آستان قدس، تشکیلات اداری، عناوین، القاب.

از گذشته‌های دور برای تعیین مقام و منزلت اجتماعی رجال و بزرگان القاب و عناوین خاصی به کار می‌رفت. شهرها، کشورها، دولت‌ها و دستگاه‌های دیوانی و بناهای تاریخی هم از عنوان و لقب بی‌بهره نبودند. لقب و عنوان نیز همچون بسیاری از دیگر نهادهای اجتماعی و فرهنگی زاده می‌شد و از سکه می‌افتاد و دست آخر با سرآمدن زمان در دل تاریخ جای می‌گرفت.<sup>۱</sup>

۱. سرپرست گروه اسناد مدیریت امور اسناد و مطبوعات سازمان. Alisuzanchi@gmail.com

القاب و عناوین از دوره تیموریان به بعد محدود گردید و به خصوص دوره صفویه را می‌توان مدعی شد که دوره افول القاب بود و در موارد خاص و نادر از القاب استفاده می‌گردید مانند متصدیان مشاغل بزرگ و آن هم تا زمانی که بر مصدر کار بودند مانند اعتمادالدوله برای صدر اعظم، رکن السلطنه برای قورچی باشی (وزیر جنگ) و رکن الدوله برای قوللر آقاسی (فرمانده سپاه) و چند لقب دیگر نیز بود که مستقیماً با عناوین شغلی در ارتباط بود مانند مستوفی الممالک (وزیر امور مالی و ممیزی و...)، معیر الممالک (رئیس ضرابخانه)، محتسب الممالک و...<sup>۲</sup>. همان‌طور که اشاره گردید این القاب متعلق به مشاغل حکومتی بود و خود افراد فاقد القاب بودند اما مردم در مکاتبات و حتی مکالمات خود با یکدیگر برای هر یک از طبقات جامعه به فراخور مقام علمی، مذهبی و... هر یک از افراد جامعه از عناوین و تعارفات خاص استفاده می‌کردند.

در این تحقیق قبل از پرداختن به مبحث اصلی، ابتدا نگاهی گذرا به اهمیت به کار بردن القاب و عناوین مناسب در مکاتبات خواهیم پرداخت سپس القاب و عناوین به کار رفته برای خود آستان قدس رضوی و کارکنان شاغل در آنجا را در دوره صفویه مورد بررسی قرار خواهیم داد.

### ۱- اهمیت به کار بردن عناوین و خطاب‌ها در مکاتبات و مکالمات مردم

«عنوان» در اصل به معنی سرنامه است، نهادی اجتماعی است که معطوف به حفظ شأن و حرمت اهل مراتب و درجات اجتماعی در ترسل دیوانی و در مکالمات عمومی است. دستورالکاتب در مورد تعریف «عنوان» چنین آورده است: «تعیین مرتبه هر فرد از افراد ملوک و سلاطین و امرا و وزراء و اکابر و اصاغر و اعیان و معارف قادر بوده و دعا و خطابی که ملایم حال و فراخور قدر و وضع آن‌ها بوده را می‌توانسته تقدیر و تحریر کند».<sup>۳</sup>

بی‌شک به کار بردن القاب و عناوین مناسب یکی از اصول مهم و عمدۀ فن انشاء در نزد دبیران و نویسندگان بود و باید به این مهم توجه بسیار می‌کردند. به همین دلیل در کتب و رساله‌های مربوط به این علم به نویسندگانی که تازه

می‌خواستند قدم در این راه بگذارند سفارش بسیار می‌شد که عنوان نامه که به بزرگان می‌نویسند عناوین را کامل نوشته تا طی کاغذ (عرض کاغذ در قسمت بالا) پر شود و به کسانی که در فن نویسندگی فاقد تجربه لازم بودند توصیه می‌شد که «روا بود اگر ننویسند»<sup>۴</sup>؛ همیشه به کار بردن القاب و عناوین مناسب برای هر یک از افراد، از مهمترین اصول فن کتابت و نویسندگی بود، به نحوی که آن را یک هنر و صنعت با جایگاهی بلند و رفیع می‌دانستند و کاربرد آن در اخوانیات و سلطانیات بود و آن را بر دو بخش تقسیم می‌کردند که بخش اول آن در مراسم و آداب و مقدمات هنر نویسندگی بود که آن را «عنوانات» می‌نامیدند.<sup>۵</sup>

کاتبان و نویسندگانی را حاذق و لایق می‌دانستند که بر تعیین مرتبه افراد مختلف و به کار بردن القاب و عناوین فراخور حال آن‌ها مسلط بوده و حد وسط را رعایت نموده و از به کار بردن و استعمال الفاظ غریب و اصطلاحات متروک و نامأنوس احتراز و دوری می‌کردند<sup>۶</sup> و باید القاب و عناوین هر کس بر حسب قدر و منزلت خود او به کار می‌رفت و اگر برای انسان‌های شریف و بزرگ از عناوین کوچک استفاده می‌شد باعث خفیف کردن آن‌ها در عرف جامعه می‌شد و چنانکه برای افراد کوچک از عناوین بزرگ استفاده می‌شد باعث استهزاء و ریشخند مردم می‌گردید و به این دلیل بود که کاتبان، دبیران و نویسندگان متبحر را زینت و آرایش مملکت می‌دانستند.<sup>۷</sup>

خواجه نظام الملک هم اعتقاد شدید به این امر داشت و استفاده درست از عناوین را توصیه می‌کرد. «چون لقب مرد بازاری و دهقان همان باشد که لقب عمیدی و هیچ فرق نباشد میان وضع و شریف و محل معروف و مجهول یکی باشد. چون لقب امامی یا عالمی یا قاضی معین الدین بود و لقب شاگردی یا ترکی که از علم شریعت هیچ دست ندارد بلکه خواندن و نوشتن هم نداند لقبش معین الدین بود پس چه فرق باشد میان عالم و جاهل و قاضیان و شاگردان در مرتبت؟! لقب هر دو یکی باشد و این روا نباشد.» و به این دلیل است که می‌گوید: «یکی از ناموس‌های مملکت، نگاه داشتن لقب و مرتبت و اندازه هر کسی است.»<sup>۸</sup> و از اینکه در زمان او در القاب و عناوین فساد و خلل وارد شده و هر کس به خود اجازه می‌دهد از هر

لقب و عنوانی استفاده نماید به شدت ناراحت و معتقد است که با متخلفین از این قاعده باید به شدت برخورد کنند تا برای دیگران درس عبرتی باشد.<sup>۹</sup>

گفتن فضل و مدح افراد با توجه به مراتب اجتماعی هر فرد در مکاتبات امری رایج و ستوده بود و کسی که این کار را انجام نمی‌داد در نزد عموم مردم آدمی متکبر و مغرور و نادان شمرده می‌شد و حتی این قبیل افراد را نکوهش می‌کردند.<sup>۱۰</sup> به کار بردن الفاظ، القاب و عناوین مناسب برای هر یک از طبقات جامعه یک قاعده و اصل مهم در بین کاتبان و نویسندگان بود و با جدیت تمام درصدد رعایت آن بوده و به دیگران هم توصیه می‌کردند که از این قواعد عدول نکنند و در تسلسل عبارات و الفاظ مناسب و آراستگی لفظ و معنی بسیار مقید بودند.<sup>۱۱</sup>

در دوره صفویه، به کار بردن القاب برای افراد در ارقام و احکام صادره از سوی پادشاهان اختصاص به شغل «واقعه نویس» یا «مجلس نویس» داشته است و سایرین اجازه دخالت در این کار را نداشتند.<sup>۱۲</sup> این پست از مناصب بسیار مهم عصر صفویه می‌باشد و هنگامی که میرزا محمدطاهر وحید قزوینی به منصب مجلس نویسی شاه عباس دوم انتخاب می‌شود از آن شغل به عنوان رتبه ارجمند و منصب بلند یاد نموده و آن را با افتخار برای خود ذکر می‌کند.<sup>۱۳</sup>

هم چنین به کار بردن القاب و عناوین به خصوص برای بزرگان و نام آوران شامل عبارات مختلف اللفظ و متفق المعنی در جهت تأکید معانی مراد و تشدید مبانی و داد بود. طول کلام و رعایت آن در جمیع فقرات از صنایع انشاء بود.<sup>۱۴</sup>

رعایت این نکته را در گفتار عامه مردم هم شاهد می‌باشیم و به این دلیل است که بسیاری از سیاحان اروپایی مانند شاردن اعتقاد داشتند مردم ایران در به کار بردن، نکات ظریف، طنز و استعاره مهارت کامل دارند<sup>۱۵</sup> و آدام اولناریوس سفیر فرانسه در دربار صفویه معتقد است که: «... در حقیقت ایرانیان خیلی بهتر از فرانسوی‌ها در کلمات خود از استعاره‌های زیبا استفاده کرده و...»<sup>۱۶</sup> برای این معتقدند که نوشتن نامه‌های رسمی مستلزم مهارت در بیان تعارفات و تشریفات دقیق است.<sup>۱۷</sup>

با بررسی اسناد و منابع این دوره می‌توان گفت ایرانیان در نوشتار و گفتار خود بسیار به اصول اخلاقی پایبند بودند و یکدیگر را با الفاظ و عناوین احترام آمیز

و با کمال تواضع و فروتنانه مورد خطاب قرار می‌دادند، هر چند که برخی از آن تعبیر به تملق و چاپلوسی و دورویی کرده‌اند.<sup>۱۸</sup> اما واقع امر آن است که در کشور ما طبقات و مراتب اجتماعی افراد بسیار مهم و مورد تأکید بوده است و با کمی دقت در عناوین به کار رفته برای افراد به راحتی متوجه مقام و شأن و پایگاه افراد در جامعه می‌شویم به نحوی که حتی برای زنان با توجه به نسبت آن‌ها با افراد مختلف جامعه عناوین خاص خود به کار می‌رفت.<sup>۱۹</sup>

با توجه به این مقدمات می‌توانیم بگوییم که عناوین و القاب به کار رفته به دو دسته تقسیم می‌شده است: دسته اول که در نزد ما رایج‌تر است، همان عناوین و القاب شغلی برای کسانی بوده که در دستگاه‌های دولتی و حکومتی مشغول به خدمت بودند و دسته دوم، عناوین و القابی است که برای افراد جامعه حسب مراتب اجتماعی آن‌ها به کار رفته است؛ مانند علما و روحانیون، اهل علم و ادب، هنرمندان، سادات و...، ایشان در هر حالتی عناوین خاص خود را دارا بوده و این عناوین ارتباطی با مشاغل حکومتی آن‌ها نداشت. چنانکه یکی از سادات یا علما در مناصب دولتی هم مشغول به خدمت می‌شد از القاب و عناوین آن پُست هم برخوردار می‌گردید و در صورت عزل فقط عناوین و القاب در ارتباط با آن پست و مقام حذف می‌گردید. مثلاً عناوینی که برای اصحاب علم و هنر به کار می‌رفت مرتبط به هنری بود که در آن صاحب تخصص، شهرت و اعتبار شده بودند و هیچگاه عنوان یک خطاط زبردست مانند یک استاد نقاش به کار نمی‌رفت. عناوین و القاب به کار رفته برای استاد کمال‌الدین بهزاد که در نقاشی یگانه عصر شناخته می‌شد، عبارت بود از: «نادرالعصر، قدوة المصورین و اسوة المذهبین استاد کمال‌الدین بهزاد».<sup>۲۰</sup> هم چنین به دلیل احترامی که مردم برای علما و روحانیون قائل بودند نه به خاطر پست و مقام دولتی و نه به خاطر تملق و چاپلوسی، بلکه چون کلیه امور دینی و بسیاری از امور دنیوی آن‌ها توسط روحانیت انجام می‌گردید و آن‌ها را دلیل و برهان دین، اهل تحقیق، یاری‌کننده و پاسدار دین شریف نبوی، دارای علم نبی، بندگان خالص خدا، راهنمای مردم، سالکان راه حق و آشنا به اسرار خداوند می‌دانستند و این باور قلبی آن‌ها بوده و هست، عناوینی برای آن‌ها به کار می‌بردند که متضمن

این عبارات بود<sup>۲۱</sup> و یا از قدیم سادات و نقبا در جامعه دارای جایگاهی رفیع بوده و همیشه مورد احترام ویژه بودند. بسیاری از پادشاهانی که از اهل سنت بودند سادات را گرمی و دستور پرداخت سیورغال و وظیفه و مرسوم معین به آن‌ها را صادر می‌کردند<sup>۲۲</sup> به کار بردن عناوین و القاب این گروه نیز نه به سبب جایگاه شغلی بلکه به خاطر احترام به آن‌ها بود و سادات را جامع اسباب سیادت و بزرگی و از خاندان و سلالة پیامبر اکرم (ص) می‌دانستند. با روی کار آمدن صفویه و رسمی شدن تشیع، سادات از جایگاه و منزلت بسیار بالاتری برخوردار گردیده و دارای امتیازات ویژه‌ای شدند و به علت نسبت آن‌ها با خاندان پیامبر (ص) بعضی از پادشاهان در بزرگی و احترام گذاشتن به آن‌ها از هیچ کوششی دریغ نمی‌کردند و احترام به سادات و کمک مالی نمودن به آن‌ها را واجب می‌دانستند و اعتقاد داشتند دعای سادات موجب مزید عمر و بقای حکومت آن‌ها خواهد بود. اعتقاد پادشاهان صفویه این بود هر که با این خاندان دشمنی کرد جزای خود را دید<sup>۲۳</sup> و بعضی اوقات قدم را فراتر گذاشته و از حد اعتدال خارج می‌شدند مانند احترام فوق‌العاده‌ای که شاه عباس اول برای سادات اسکویه تبریز قائل بود.<sup>۲۴</sup>

با توجه به این مقدمات و ذکر این مهم که عمده اسناد موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی بنا به ماهیتشان، بیشتر مربوط به امور مالی، حسابداری و به صورت جمع و خرج می‌باشد، مانند اسناد اخوانیات و سلطانیات نبوده و آکنده از فن سیاق بوده<sup>۲۵</sup> و نیز اسناد آن مربوط به دفاتر اوارجه و توجیهات، روزنامه‌ها، سررشته‌داری، فردهای محاسباتی، مفرده حساب، بقایا، گوشواره، حشو، بارز و... از این قبیل می‌باشد، نمی‌توان دقایق و ظرایف نویسندگی و به کار بردن دقیق القاب و الفاظ و یا استفاده از استعارات و سخنان نغز و شیرین را از آن‌ها انتظار داشت؛ با این وجود، بنابر همان رسم دیرینه ایرانیان که احترام گذاشتن به هر فرد با توجه به جایگاه اجتماعی‌اش ضروری است، می‌توان از میان سطور رنگ پریده همین اسناد، با بسیاری از القاب و عناوین به کار رفته برای افراد در دوره صفویه آشنا شد.

## القاب و عناوین به کار رفته برای آستان قدس رضوی

مهمترین عاملی که باعث شد به بررسی القاب و عناوین خاص آستان قدس رضوی در دوره صفویه پردازیم این بود که در بسیاری از منابع و اسناد آن عصر عنوان آستان قدس به کار رفته و محققان آن را دیده‌اند، اما متوجه نظر نویسنده نگردیده و نتوانسته‌اند توضیح دهند که این عنوان مربوط به آستان قدس رضوی می‌باشد. برخی از کنار آن بدون ارائه هیچ توضیحی گذشته<sup>۲۶</sup> و برخی با حدس و گمان اعلام نموده‌اند که این لقب مربوط به اماکن و بقاع متبرکه بوده و به همین توضیح بسنده می‌کردند.<sup>۲۷</sup> بعضی از شرق شناسان مانند مینورسکی و لکههارت فکر کرده‌اند که آنجا شعبه‌ای از تشکیلات دربار پادشاهان می‌باشد.<sup>۲۸</sup> دلیل دیگر آن است که وقفنامه‌هایی از آن دوره موجود است که مربوط به آستان قدس رضوی می‌باشد، اما به خاطر عدم آشنایی با عناوین آستان قدس در دوره صفویه این قبیل موقوفات به صورت ناشناخته است و در اختیار آستان قدس نمی‌باشد، در این مورد مدیریت موقوفات آستان قدس با انجام پژوهشهای مستند می‌تواند در شناسایی این قبیل رقبات موقوفه گام بردارند.

در اسناد، القاب و عناوین گوناگونی برای آستان قدس رضوی به کار رفته است که ما به ذکر آنها پرداخته‌ایم. لازم به توضیح است که نویسندگان چندان مقید نبودند که تمام عناوین را به صورت کامل نوشته و در بعضی اسناد عناوین کوتاه‌تر و در بعضی از تعداد بیشتری استفاده شده است و دیگر آنکه گاهی اوقات شاهد هستیم که عناوین با یک نظم و ترتیب خاصی به کار نرفته و پس و پیش شدن واژه‌ها در اسناد به وفور دیده می‌شود.

یکی از کامل‌ترین عناوین در اسناد عبارت «آستانه مقدسه منوره متبرکه که عرش درجه حضرت ثامن ضامن مفترض الطاعة واجب العصمة علی بن موسی الرضا علیه الف التحیة و الثناء»<sup>۲۹</sup> است.

همان طور که ذکر شد نویسندگان تقید چندانانی برای به کار بردن دقیق عنوان در همه جا نداشتند و ما این عنوان را در صفحه یک این سند شاهد هستیم که به جای آستانه مقدسه منوره متبرکه که از عبارت منوره مطهره استفاده شده و سایر عناوین مانند هم می‌باشد.<sup>۳۰</sup>

از دیگر عناوین کامل به کار رفته برای آستان قدس می‌توان از عبارت «آستانه مقدسه منوره سدره مرتبه عرش درجه رضیه رضویه علی مشرفها الف سلام و تحیه» نام برد.<sup>۳۱</sup> فرق این عبارت با آنچه در کتاب القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه آمده این است که میرزا علی نقی نصیری بعد از خادم آستانه یک کلمه متبرکه را بیشتر آورده و سایر عناوین دقیقاً مثل هم به کار رفته‌اند.

در نوشتن عناوین ترتیب خاص و منظمی وجود نداشت و کاتب با سلیقه خود عناوین را می‌آورد به عنوان نمونه یک جا کلمه «عرش درجه» در ابتدا و «سدره مرتبه» بعد از آن به کار رفته<sup>۳۲</sup> و در جای دیگر عنوان «سدره مرتبه» در ابتدا و «عرش درجه» بعد از آن به کار رفته است.<sup>۳۳</sup> یکی از نویسندگان عبارت «آستانه مطهره متبرکه» را به کار می‌برد و دیگری «آستانه مقدسه منوره» را استفاده می‌کند.<sup>۳۴</sup>

از عناوین به کار رفته برای آستان قدس رضوی در اسناد می‌توان به این نتیجه رسید: که این مکان به دلیل وجود مضجع شریف و مبارک حضرت امام رضا(ع) نورانی و پاک است و به دلیل کرامات این امام معصوم اطاعت امر ایشان واجب است، برای همین فرشتگان و ملائک مقرب خداوند در این مکان مقدس حضور دارند و برترین و بهترین درودها و سلام‌ها مخصوص این مکان مقدس است. از عناوین کوتاه به کار رفته برای آستان قدس می‌توان از «سرکار فیض آثار» نام برد که در بین هزاران سند موجود در این مرکز بیشترین کاربرد را داشته و احتیاج به توضیح و ارجاع سندی ندارد. از دیگر عناوین کوتاه می‌توان «روضه مقدسه»<sup>۳۵</sup>، «آستان فیض نشان»<sup>۳۶</sup> و «سرکار موهبت مدار»<sup>۳۷</sup> را برای این مکان نام برد. «روضه مطهره»<sup>۳۸</sup> و «رضیه رضویه علی مشرفها السلام و التحیه»<sup>۳۹</sup> از سایر عناوین کوتاه است که در اسناد به کار رفته است.

در منابع آن عصر نیز عناوینی متفاوت برای آستان قدس به کار رفته است. در کتاب خلاصه التواریخ در ذکر سفر سلطان حسین میرزا فرزند بهرام میرزا به مشهد از این عنوان برای آستان قدس استفاده نموده «... احرام زیارت روضه مقدسه منوره عرش منزله رضیه رضویه علی راقدها الف الف سلام و تحیه...» همچنین از عبارات



کوتاه عتبه گردون و روضه مقدسه منوره و روضه عرش آسا و روضه عرش منزله هم استفاده کرده است.<sup>۴۰</sup>

در کتاب دستور شهریاران از دو عنوان بلند «آستانه مقدسه منوره متبرکه عرش درجه امام ثامن ضامن علیه السلام و التحية و الثناء» و «آستانه متبرکه عرش درجه و روضه رضویه علی ساکنها الف سلام و تحية» و همچنین از عناوین کوتاه روضه مقدسه و سرکار فیض آثار و عتبه مقدسه و آستان ملایک پاسبان استفاده کرده است.<sup>۴۱</sup>

معمولاً برای شخص حضرت رضا(ع) نیز از عنوان «امام ثامن ضامن مفترض الطاعة واجب العصمة علیه الف الآف التحية و الثناء» استفاده می‌شد<sup>۴۲</sup> و یا از عبارت «الصلوة و السلام علی امام الجن و الانس ابوالحسن علی بن موسی الرضا(ع)».<sup>۴۳</sup>

اما کامل‌ترین عنوانی که به صورت مشترک برای آستان قدس و حضرت رضا(ع) به کار رفته است این عنوان است «سرکار آستانه مقدسه منوره مطهره متبرکه سدره مرتبه عرش درجه حضرت امام ثامن ضامن مفترض الطاعة، واجب العصمة علی بن موسی الرضا علیه التحية و الثناء» می‌باشد.<sup>۴۴</sup>

در کتاب عالم آرای عباسی هم از عبارت «آستان ملایک آشیان امام الجن والانس» استفاده شده است.<sup>۴۵</sup> از عبارات دیگر که در عالم آرا برای آستان مقدس امام رضا(ع) به کار رفته می‌توان به این موارد اشاره کرد: «سلطان روضه رضا علیه آلف التحية و الثناء»، «روضه مقدس مطهر حضرت امام الجن و الانس»، «مرقد منور حضرت امام مفترض الطاعة»، «روضه مطهر مزکی»، «روضه جنت مثال»، «روضه منور معطر» و «آستان سدره نشان امام ثامن ضامن علیه السلام».<sup>۴۶</sup>

قبل از پرداختن به القاب و عناوین متولیان اشاره‌ای کوتاه به عناوین به کار رفته برای خود شهر مشهد مقدس می‌نماییم.

رایج‌ترین لقب برای شهر مشهد در اسناد و منابع «مشهد مقدس معلی مزکی» می‌باشد.<sup>۴۷</sup> از عنوان مشهد مقدس معلی هم به کرات استفاده شده است.<sup>۴۸</sup> یکی دیگر از القاب رایج برای آن‌جا، ارض اقدس بوده که در منابع به کار می‌رفت.<sup>۴۹</sup>

عبارت «مشهد مقدسه رضوی علی مشرفه السلام» و «مشهد مقدس معطر» در بعضی از وقف‌نامه‌ها به کار رفته است.<sup>۵۰</sup>

### القاب و عناوین به کار رفته برای متولی و نایب متولی

متولیان حرم مطهر امام رضا(ع) رئیس تشکیلات گسترده این آستانه متبرکه بودند. کلیه امور مربوط به خدمه شامل: سرکشیکان و خادم باشیان، امور مربوط به کارکنان آستان قدس اعم از دفتری و عمال دیگر آستانه، نظم و انتظام امور مربوط به بیوتات متبرکه آنجا شامل: کتابخانه، شربت‌خانه، دارالشفاء، مطبخ و...؛ بازخواست و تنبیه و یا عزل و نصب کارکنان، نظارت بر آبادی و عمران زراعات، باغات، مستغلات و درآمدزایی آن‌ها، صدور حواله و تنخواه دادن به تحویلداران بیوتات متبرکه، پرداخت مواجب و مقرری به خدمه و کارکنان آستان قدس رضوی، پرداخت رسومات به سادات، فضلا، طالبان علم، اشراف و اعیان خراسان، کمک به مستحقین زوار، نظارت بر روشنایی و سوخت بیوتات متبرکه، برگزاری مراسم مذهبی در اعیاد ملی و مذهبی و مراسم سوگواری، انجام تعمیرات مورد نیاز در آستان قدس رضوی و کلیه موقوفات متعلق به آن و لزوم ساختن بناها و فضاهای جدید، نظارت بر جمع و خرج مالی و تصدیق و اجرای معاملات، پروانچه‌ها و احکام صادره از سوی پادشاهان صفوی در امور مختلف از جمله وظایف و کارکردهای متولیان آستان قدس رضوی بود.<sup>۵۱</sup>

از آنجا که تشکیلات آستان قدس رضوی برگرفته از دربار حکومت مرکزی بود و شخص متولی به عنوان نماینده و نایب ویژه و مخصوص سلاطین وقت به این پست گمارده می‌شد و نظر به اهمیت و موقعیت مذهبی، سیاسی و اجتماعی آستان قدس و ارتباط نزدیک آن با قدرت حاکمه، متولی آن از جایگاه بسیار رفیع و بلندی برخوردار بوده و از احترام و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. بی‌دلیل نیست که میرزا رفیعا می‌نویسد که «جای متولیان به جهت تعظیم و توقیر که بعد از احدی نبوده باشد در مسجد چهل ستون و مجالس دیگر علی‌حده در پای ستون نزدیک به شاه‌نشین مقرر بود».<sup>۵۲</sup> و میرزا خلیل مرعشی در مورد انتصاب میرزا داود به تولیت آستان قدس

از طرف شاه سلیمان می‌گوید: «... که به اعتقاد اهالی ممالک ایران بر همه مناصب عالی رجحان دارد».<sup>۵۳</sup>

با توجه به این مقدمه و بررسی اسناد متوجه می‌شویم که القاب و عناوین متولیان بسیار طولانی و احترام‌آمیز بوده و دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد که در مورد آن توضیح خواهیم داد و هیچ فردی در آستان قدس دارای این چنین القاب و عناوینی نبوده و می‌توان ادعا کرد بعد از القاب و عناوین خاص آستان قدس، متولی و در مواردی نایب آن‌ها سایر عناوین به کار رفته برای افراد بسیار مختصر و کوتاه می‌باشد مگر برای صاحب منصبان کشوری و یا از علمای اعلام و درجه اول باشند.

نکته دیگر در مورد القاب متولیان در دوره صفویه این است که همه آن‌ها از سادات و نقبای مهم بودند و برای این در القاب و عناوین به کار رفته برای آن‌ها به مسئله سیادت و سادات بودن آن‌ها توجه ویژه شده و بسیاری از القاب به کار رفته برای آن‌ها متضمن این عبارات است. بعد از مسئله سیادت و سادات بودن القابی که برای آن‌ها به کار می‌رفت اشاره به پست و مقام بلند تولیت آستانه مقدسه که از ارزش والا برخوردار بود و آن را هم ردیف والیان و حاکمان قرار می‌داد که از شوکت، حشمت و عزت بسیاری برخوردار بود. در انتها آن‌ها را یاور و کمک‌کننده به ضعفا و مساکین و پناهگاه مسلمین می‌دانستند و عناوین انتهایی برای آن‌ها دعایی بود که برای ازدیاد عمر و عزت و ادامه یافتن دوران اقبال و کامروایی آن‌ها به کار می‌رفت. لازم به توضیح است که بعضی نویسندگان عناوین را کامل می‌نوشتند و برخی از عناوین کمتری استفاده می‌کردند.

ارزش مقام متولی آستان قدس بسیار بالا و از اهمیت دینی و دنیوی برخوردار بود. نویسنده کتاب دستورالملوک او را هم‌ردیف مشاغل مذهبی مهم مانند ملاباشی و صدور خاصه و عامه ذکر کرده است و از لقب عالی‌جاه که مخصوص امراء بزرگ بود برای نامبرده استفاده کرده است.<sup>۵۴</sup> نکته دیگر که باعث اهمیت مقام متولیان بود اعزام آن‌ها به نیابت از پادشاهان وقت به این محل بود. با دربار در ارتباط مستقیم بوده و کلیه احکام و فرامین مربوط به آن مستقیماً توسط پادشاهان صفویه

صادر و ابلاغ می‌گردید. بنابراین به علت همین ارتباط مستقیم با شخص اول حکومت باعث قدرت فراوان آن‌ها شده و در بعضی از برهه‌های زمانی از نمایندگان رسمی حکومت نیز قدرتمندتر می‌شدند.<sup>۵۵</sup> پس به اختصار می‌توان گفت وی نماینده شاه وقت در همه امور آستان قدس بود و هیچ یک از فرامین شاهان بی‌تصدیق و تأیید وی قابل اجرا نبود. بنابراین در القاب و عناوین به کار رفته برای متولیان به منظور بیان جلال و شکوهمندی آن‌ها فضایل و محاسن و مناقبی بسیار را به متولیان آستان قدس نسبت می‌دادند. با این مقدمات به بررسی عناوین به کار رفته برای متولیان در اسناد می‌پردازیم. ابتدا عناوین و القابی که برای متولیان در صدر یا بالای اسناد به کار رفته را مورد بررسی قرار می‌دهیم سپس به القاب و عناوین به کار رفته در متن اسناد خواهیم پرداخت.

#### الف: عناوین و خطاب‌های به کار رفته در صدر اسناد

در مورد این عناوین و خطاب‌ها باید گفت که در همه اسناد به کار نرفته است و فقط در اسنادی که مربوط به قبض‌های روشنایی، سوخت و... بود آمده است و در اسناد دفاتر توجیهاات و اوارجه این ترتیب رعایت نمی‌گردید.<sup>۵۶</sup>

#### القاب به کار رفته

- ۱- شمساً لفلک السیادة و النقابة و النجابة و الهدایة و الایالة و الحکومة و الشوکه و الجلیلة و الحشمة و النصفه و العزّ و الاقبال.<sup>۵۷</sup>
- ۲- زیناً للسیادة و النقابة و الامارة و الحکومة و الشوکه و النصفه و العطوفة و العزّ و الاقبال.<sup>۵۸</sup>
- ۳- شمساً لفلک السیادة و النقابة و النجابة و الهدایة و السخاوة و المروة و الایالة و الحکومة و الشوکه و الجلیلة و الحشمة و العزّ و الاقبال.<sup>۵۹</sup>
- ۴- ناظماً لمناظم السیادة و النقابة و الامارة و الایالة و السلطنة و العزّ و الاقبال.<sup>۶۰</sup>
- ۵- زیناً للسیادة و النجابة و الامارة و الایالة و الحکومة و العزّ و الاقبال.<sup>۶۱</sup>
- ۶- شمساً لفلک السیادة و التولية و النجابة و الهدایة و النقابة و الافاضة و الافادة و الفخامة و المناعة و العزة و المکرمة و الاقبال.<sup>۶۲</sup>

۷- شمساً لفلک السیادة و النقابة و النجابه و الهدایة و الافادة و الافاضة و العز و الاقبال.<sup>۶۳</sup>

همان طور که در القاب بالا مشخص است نوع نگارش آن‌ها به زبان عربی می‌باشد.

در تمام آن‌ها به سیادت و سادات بودن متولیان اشاره گردیده و آن‌ها را خورشید آسمان سیادت و نقابت دانسته بعد به سایر القاب و عناوین آن‌ها پرداخته شده است.

القاب ابتدایی از دو کلمه ترکیب یافته و معمولاً آن‌ها را خورشید آسمان سیادت (شمساً لفلک) یا زینت سیادت و سادات (زیناً للسیادة) و یا نظم دهنده دستگاه سیادت (ناظماً لمناظم السیادة) می‌دانستند که در بالا به نمونه‌هایی از آن اشاره گردید. معمولاً القاب و عناوین همین عبارت بود با اندکی پس و پیش یا اضافه کردن بعضی از القاب و کم کردن آن‌ها و فقط در ابتدا عناوین صدر اسناد امکان داشت از عبارات دیگر مانند قوام، یقیناً و... استفاده شود.<sup>۶۴</sup>

در صدر اسناد از القاب و عناوینی دیگر نیز استفاده می‌شد که به یک مورد آن اشاره می‌نماییم.

جهان مطاع شمساً لفلک السیادة و النقابة و الشوكة و العظمة<sup>۶۵</sup> همان‌طور که ملاحظه می‌کنید کاتب که غلام حسین نظامی نام داشته برای پرداخت مواجب خود از آستان قدس بالای سند را که مخصوص القاب متولی می‌باشد با عبارت جهان مطاع آغاز نموده است و یا در جای دیگر فقط با عبارت آستانه مقدسه منوره سلطان ابوالحسن علیه‌السلام آمده است.<sup>۶۶</sup>

بیشترین القاب به کار رفته تا سیزده کلمه<sup>۶۷</sup> و کمترین القاب به کار رفته تا سه کلمه بود که شامل شمساً للسیادة و النقابة است.<sup>۶۸</sup> در بعضی از قبض‌های رسید در این دوره شاهدیم که در صدر سند هیچگونه لقب و عنوانی از متولی نیامده است و آغاز سند با عبارت اعتراف صحیح شرعی نمود، آغاز شده است<sup>۶۹</sup> و یا در قبوضی که مربوط به پرداخت مواجب و حق التولیه خود متولیان آستان قدس رضوی بوده است دیگر از القاب بالای سند و داخل متن سند خبری نمی‌باشد. و در این اسناد

معمولاً در بالای سند عنوان فیض آثار برای آستان قدس رضوی آمده است و در داخل متن سند متولی خود را دعاگوی دوام دولت و حکومت پادشاهان صفوی دانسته است و در انتهای سند پس از ذکر تاریخ مهر خود را بر آن می‌زدند.<sup>۷۰</sup>

### ب: القاب و عناوین به کار رفته در متن اسناد

القاب و عناوین به کار رفته در متن اسناد در اکثر موارد به صورت رسم الخط فارسی نوشته شده‌اند و یا در ابتدا با خط فارسی و القاب انتهایی را با خط عربی نوشته‌اند اما در هیچ یک از آن‌ها شاهد نمی‌باشیم که رسم الخط عربی به تنهایی به کار رفته باشد.

نکته دیگر آنکه معمولاً القاب داخل متن سند در قبض‌های رسید بسیار مفصل‌تر و بیشتر است و گاهی القاب و عناوین به کار رفته در متن سند بالغ بر بیست لقب می‌شود که به ذکر آن خواهیم پرداخت و گاهی هم به صورت مختصر چند کلمه‌ای به کار رفته است.

تفاوت دیگر القاب داخل متن با القاب بالای اسناد قبض‌های رسید در آن است که در القاب بالای سند معمولاً به القابی اشاره می‌شود که مربوط به شوکت و حکومت و ایالت و امارت می‌باشد و در انتها با عز و الاقبال به اتمام می‌رسد. اما در القاب داخل متن سند که معمولاً مربوط به پرداخت وجه به افراد اعم از کارکنان آستان قدس یا وظیفه‌بگیران و مستمری‌بگیران است. در القاب انتهایی به کلماتی اشاره شده که حاکی از آن است که متولی پناهگاه و مأمن مناسب برای افراد و کمک‌کننده به ضعفا و مساکین می‌باشد.<sup>۷۱</sup> اما در مواردی که برای افرادی از طبقه علما، فضلا و اصحاب علم و دانش بودند القاب انتهایی آن‌ها فرق نموده و در این موارد از عنوان با لقب رفعت العلماء و الفضلاء در انتها برای متولی استفاده می‌شد.<sup>۷۲</sup>

البته این مسأله عمومیت نداشته و گویا برای کسانی که خیلی خاص و ممتاز بودند از این القاب استفاده می‌شد و به کار بردن کلماتی مانند «عون الضعفاء و المساکین» و یا «عون المستحقین» را دون شأن طبقه علما می‌دانستند. نکته آخر این است که نویسندگان خود را مقید به نوشتن القاب با ترتیب و نظم خاصی ندانسته

گاهی القاب را پس و پیش و یا کم و زیاد می‌کردند. نکته دیگر در مورد القاب داخل متن این است که در بعضی از جاها پس از به کار بردن کلی القاب در وصف متولی از عبارت «غنی الالقابی» یعنی بی‌نیاز از القاب به کار رفته است.<sup>۷۳</sup>

۱- ذوی العز و الاعتلاء عالی حضرت متعالی منزلت، سیادت مرتبت، مقدس طینت، فلک رفعت، فرشته خصلت، سیادت و تولیت و نجابت و اقبال پناه، هدایت و نقابت و مکرمت و اجلال دستگاه، افادت و افاضت و فضیلت و کمالات امتناء، فخامت و مناعت [ناخوانا] اکتناه، عالی جاه عمدة السادات و النجباء العظام الکرام.<sup>۷۴</sup>

۲- ذوی العز و الاعتلاء، نواب مستطاب معلی القاب، مبادی آداب، سیادت و نجابت و نقابت پناه و تولیت و اقبال پناه، فضیلت و افادت و افاضت انتباه، حشمت و عظمت و اجلال دستگاه، حقایق و دقایق و معارف آگاه، عمدة السادات و النجباء الکرام العظام، اسلام و اسلامیان ملاذی، عالی جاهی، شمساً لفلک السیادة و النجابة و النقابة و التولية و الحشمة و الافادة و العز و الاجلال و الاقبال.<sup>۷۵</sup>

۳- سامی رتبت، معالی مرتبت، سیادت و نقابت پناه، هدایت و نجابت دستگاه، افادت و افاضت امتناء، حقایق و معارف آگاه، عالی جاه علامی فهامی، افتخار اعظام السادات العظام و النجباء الکرام، شمساً لفلک للسیادة و النقابة و النجابة و الافادة و الافاضة و العز و الاقبال.<sup>۷۶</sup>

۴- نواب مستطاب معلی القاب، سیادت نسب، والا رتبت، متعالی مرکب، سامی مرتبت، قمر طلعت، خورشید عظمت، امارت و ایالت و حکومت پناه، حقایق و معارف آگاه، اسلام ملاذی، ملجاء الفقراء و المساکین، عون الضعفاء و المسلمین.<sup>۷۷</sup>

۵- نواب مستطاب معلی القاب، عالی حضرت سیادت و نقابت پناه، امارت و ایالت دستگاه، عون الفقراء و الضعفاء، رفعة العلماء و الفضلاء.

اما گاه در اسناد شاهد هستیم که از عناوین کوتاهتری هم برای متولیان

استفاده می‌شد مانند:

۶- عالی جناب سیادت و نقابت پناه، شوکت و عظمت دستگاه، نتیجه السادات

العظام.<sup>۷۸</sup>

۷- نواب سیادت و ایالت و شوکت پناه عالی جاهی.<sup>۷۹</sup>

۸- نواب مستطاب نامدار فلک جناب.

۹- نواب مستطاب امارت پناه حکومت دستگاه عالی جاهی.<sup>۸۰</sup>

۱۰- العبد الاعظم السماء، السیادة و النقباء و النجابه و الهدایة و التولیة و العز و

الاقبال، میرزا بدیع الزمان الرضوی المتولی.

در مجموع و در القاب به کار رفته برای متولیان ابتدا اشاره به سیادت و

سادات بودن متولیان آستان قدس گردیده، در ادامه چون اکثر آن‌ها از فضلالی اهل

صلاح و آشنا با علوم دینی و در جرگه فقهای بزرگ بودند در القاب آن‌ها با

عباراتی از قبیل حقایق و معارف آگاه، رفعت العلماء و الفضلاء، افادت و افاضت و

فضیلت و کمالات دستگاه، برای آن‌ها به کار رفته است و به سبب منصبی که در

اختیار آن‌ها بود و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود از عبارات و القابی مانند امارت و

ایالت دستگاه، شوکت و عظمت دستگاه، امارت پناه و حکومت دستگاه، برای آن‌ها

به کار می‌رفت و به خاطر آن‌ها که در بسیاری از اسناد دستور پرداخت کمک و

مساعدت به افراد مختلف توسط آن‌ها صادر می‌شد از القابی مانند عون الضعفاء و

المساکین، ملجاء الفقراء و المستحقین برای آن‌ها استفاده می‌شد و در انتهای برخی

اسناد از یک دعا هم برای آن‌ها استفاده می‌شد مانند: العز و الاقبال، دامت شوکت،

دام اجلاله و...

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که القاب به کار رفته برای متولیان

اشاره به چهار مسئله عمده داشت که به ترتیب عبارت بود از:

۱- سیادت متولیان

۲- امتیاز ویژه منصب تولیت آستان قدس

۳- صدور دستور پرداخت‌های حقوق و مستمری‌ها و اعانات

۴- دعا برای دوام و عزت متولیان



## القاب و عناوین به کار رفته برای صاحب منصبان ارشد آستان قدس رضوی القاب نایب التولیه

این منصب از اواخر دوره صفویه به وجود آمد و به همین دلیل از قدمت زیادی در تشکیلات آستان قدس رضوی در دوره صفوی برخوردار نمی‌باشد،<sup>۸۱</sup> اما چون نامبرده نفر دوم آستان قدس بعد از متولی بوده و از اختیارات زیادی برخوردار بود، لذا برای نایب التولیه هم از القاب و عناوینی هم‌ردیف متولیان استفاده می‌شد و شاید تفاوت القاب وی با متولی را بتوان فقط در عنوان عالی‌جاه ذکر کرد که برای متولی به کار می‌رفته است و برای نایب متولی از عنوان عالی حضرت استفاده می‌شد. اما از متداول‌ترین القاب برای نایب التولیه‌ها در دوره صفویه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- عالی حضرت والا رتبت، معلی مرتبت، شمساً لفلک لسیادة و النجابه والنقابة و الهدایة و المناعة و الافادة و الافاضة و الفضیلة والعز و الاقبال، میرزا محمد علیا الحسینی و نایب عالی‌جاه متولی.<sup>۸۲</sup>

۲- ذو العز و الاعتلاء، عالی حضرت سامی مرتبت، معالی منزلت، سیادت و نجابت و نیابت و اقبال پناه، سلاله السادات و النجباء العظام الکرام، زیناً لفلک السیادة و النجابه و السیاسة و الکیاسة و الفضیلة و الهدایة و الاقبال میرزا محمد علی حسینی، نایب نواب مستطاب معالی القاب.<sup>۸۳</sup>

۳- عالی حضرت رفیع منزلت، منبع مرتبت، سیادت و نجابت و هدایت و اقبال پناه، فضیلت و نقابت و هدایت و اجلال دستگاه نایب عالی‌جاه<sup>۸۴</sup> [متولی].

جایگاه نایب متولی به خصوص فرزندان میرزا داود متولی به قدری بالا و مهم بوده است که حتی نام آن‌ها را در صدر سند و با به کار بردن القابی هم‌تراز متولی ذکر می‌کرده‌اند که به یک نمونه آن اشاره می‌کنیم:

زیناً لفلک السیادة و النجابه و الهدایة و الافادة و الافاضة و التولیة و العز و الاقبال و الاجلال میرزا محمد علیا دام ظلّه العالی.<sup>۸۵</sup>

به کار بردن چنین القابی که مخصوص متولیان بود نشان‌دهنده جایگاه ویژه و اهمیت این شغل در آستان قدس دوره صفویه است.

### القاب مستوفیان

مستوفی از جمله مشاغل بسیار مهم در آستان قدس رضوی بود. کلیه مخارج و هزینه‌های آستان قدس و پرداخت مالی توسط نامبرده انجام می‌گرفت و کلیه اسناد با دستور متولی یا نایب او به مستوفی قابل پرداخت بود.

شغل نامبرده در دستگاه حکومتی هم از اهمیت بالایی برخوردار بوده و کلیه امور دیوانی و حساب و مخارج مربوط به نقاط مختلف با مستوفیان بود و موظف بودند در ضبط و ربط مالیات دیوان کمال اهتمام را به عمل آورده اختیار داد و ستد و جوه دیوانی و دادن تنخواه به نظامیان تماماً در دست او بوده و کل افرادی که مسؤول امور مالی بودند تحت نظر نامبرده کار می‌کردند و کلیه اسناد مالی باید به مهر و تأیید نامبرده می‌رسید.<sup>۸۶</sup>

و صاحب این منصب می‌باید در کمال مهارت و نویسندگی بوده، وقوف تمام از علم سیاق و تحریر نسخ‌جات و هر گونه محاسبات و دستورالعمل دیوان داشته، در نهایت راستی و راست قلمی و دیانت بوده باشد که تمام نویسندگان به وقوف و مهارت او قائل بوده باشند.<sup>۸۷</sup>

در اوایل دوره صفویه القاب آن‌ها مختصرتر و در اواخر آن دوره از القاب و عناوین بیشتری برای آن‌ها استفاده می‌شد.

در دوره شاه عباس اول و بعد از او فقط از لقب رفعت پناه مستوفی الملک برای وی استفاده می‌گردید.<sup>۸۸</sup> در دوره سلطنت شاه عباس دوم دو لقب معالی و توفیق آثاری هم به القاب او اضافه گردید و عنوان به کار رفته برای نامبرده از این قرار بود. «رفعت و متعالی پناه، توفیق آثاری، مستوفی الملکی».<sup>۸۹</sup>

از اواخر این دوره القاب و عناوین شغل مستوفی بیشتر شد و معمولاً این القاب برای او به کار می‌رفت:

۱. عالی حضرت، سیادت و نجابت پناه، رفیع مقدار، مستوفی سرکار موهبت آثار.<sup>۹۰</sup>

۲. نجابت و رفعت و متعالی پناه، توفیق آثاری، رفیع مقداری، مستوفی القابی.<sup>۹۱</sup>

۳. عالی حضرت، سیادت و نجابت پناه، متعالی پناه، عزت و عوالی دستگاه، رفیع مقداری، مستوفی سرکار فیض آثار.<sup>۹۲</sup>

همان طور که ملاحظه می‌کنید چنانچه مستوفی از جرگه سادات بود عنوان سیادت هم برای او به کار می‌رفت و اگر از سادات نبوده با کلمه نجابت القاب او آغاز می‌گردید.<sup>۹۳</sup>

معمولاً در احکام صادره توسط پادشاهان وقت در مورد کارکنان آستان قدس در متن فرمان نام متولی یا نایب او به همراه ناظر و مستوفی ذکر می‌گردید و از آن‌ها خواسته می‌شد که مطابق فرمان صادره عمل نموده و از آن تخطی ننمایند.<sup>۹۳</sup> در اوایل دوره صفویه و قبل از به وجود آمدن مشاغلی مانند نایب متولی و ناظر کل می‌توان ادعا کرد که مستوفی بعد از متولی نفر دوم تشکیلات آستان قدس رضوی بوده است.

### القاب ناظران

شغل ناظر کل از اواخر دوره صفویه در تشکیلات آستان قدس رضوی به وجود آمد. البته قبل از به وجود آمدن این منصب هر یک از بیوتات آستان قدس دارای ناظر بودند اما آن‌ها زیر نظر مستقیم متولیان و سایر صاحب منصبان آستان قدس مشغول به خدمت بودند. از اواخر دوره صفویه و از دوره شاه سلیمان بود که در اسناد با نام ناظر آستان قدس مواجه می‌شویم و از آن به بعد است که ناظران جزء، هر یک زیر نظر ناظر کل مشغول به خدمت می‌شوند. در اسناد از دوره شاه عباس دوم به بعد است که از این سمت نام برده می‌شود.<sup>۹۴</sup> القاب به کار رفته برای این منصب عبارت بودند از:

۱. عالی حضرت والا رتبت، سامی منزلت، سیادت و نظارت و اقبال پناه، نجابت و نقابت و سیادت دستگاه، عالی مقداری، ناظر جلیل القدر سرکار فیض آثار.<sup>۹۵</sup>

۲. عالی حضرت والا رتبت، سامی منزلت، سیادت و نقابت و اقبال پناه، نجابت و هدایت و نظارت دستگاه، رفیع مقداری، ناظر جلیل القدر سرکار فیض آثار.<sup>۹۶</sup>

همان گونه که مشخص است در این دو عنوان کلمات زیاد با هم تفاوت ندارند و اکثر عناوین مانند هم به کار رفته است.

۳. از عناوین کوتاه متداول هم می‌توان به عنوان «ناظر سموالمکان»<sup>۹۷</sup> و «ناظر جلیل‌القدر»<sup>۹۸</sup> هم اشاره نمود.

برای ناظر جزء که وظیفه نظارت به نذورات اهدایی آستان قدس را برعهده داشت لقب نظارت و رفعت و معالی پناه به کار می‌رفت.<sup>۹۹</sup> برای ناظر شیلان از عنوان «رفعت و عزت و مکرمت دستگاه» استفاده می‌شد.<sup>۱۰۰</sup> برای مشرفان هم که اکثراً با نظارت ناظر کل مشغول انجام وظیفه بودند عنوان «رفعت پناه» به کار می‌رفت.<sup>۱۰۱</sup>

#### القاب خازنان و صاحب جمعان بیوتات

تحویلداران، خازنان و صاحب جمعان بیوتات مختلف حرم مطهر از صاحبان مشاغل مهم در آستان قدس بودند که در اینجا به صورت مختصر به القاب هر یک از آن‌ها اشاره می‌نماییم.

۱. تحویلدار کل: عالی حضرت، مقدس طینت، سیادت و نقابت و نجابت و هدایت پناه، عالی قدری.<sup>۱۰۲</sup>

۲. خازن آستان قدس: رفعت و متعالی پناه، عزت دستگاه<sup>۱۰۳</sup> در بعضی اسناد برای خازن «رفعت و متعالی پناه» به تنهایی به کار رفته است.<sup>۱۰۴</sup> در اسناد دوره شاه عباس عنوان «سعادت نصاب» برای وی به کار می‌رفت.<sup>۱۰۵</sup>

۳. صاحب جمع شماع‌خانه: شرافت و نجابت و رفعت و متعالی پناه.<sup>۱۰۶</sup>

۴. صاحب جمع حویج‌خانه: سیادت و نجابت پناه فضیلت و افادت دستگاه.<sup>۱۰۷</sup>

۵. صاحب جمع کرکراق‌خانه: رفعت و معالی پناه.<sup>۱۰۸</sup>

۶. صاحب جمع خباز‌خانه: سیادت و صلاحیت پناه.<sup>۱۰۹</sup>

۷. شربتدار: عزت پناه تقوی شعار<sup>۱۱۰</sup> و یا حکمت پناه.<sup>۱۱۱</sup>

#### القاب کارکنان کشیک یا خدمه آستان قدس

کلمه کشیک در آستان قدس رضوی، تقریباً به مجموع خادمان، فراشان، دربانان، کفشبانان، مؤذنان و خدمه دیگر اطلاق می‌شود که در مدت معین (معمولاً

۲۴ ساعت) در داخل حرم، رواق‌ها و صحن‌های حرم مطهر مشغول خدمت هستند. کلیه این مشاغل هر روز از هر دسته و هر صنفی دارای رؤسایی بودند که معمولاً به آن‌ها خادم‌باشی، فراش‌باشی و دربان‌باشی می‌گفتند و آن‌ها باید کلیه اوامر سرکشیک را در آن روز به نحو احسن اجرا کرده و تحت نظر او مشغول خدمت باشند.<sup>۱۱۲</sup>

سه کشیک مسؤول اماکن متبرکه در داخل حرم مطهر بوده است. حضور و غیاب اعضای کشیک هر روز، جلوگیری از انجام امور خلاف در حوزه اماکن متبرکه حرم مطهر و ارائه گزارش اتفاقات هر روز از اهم وظایف وی بوده است.<sup>۱۱۳</sup> لقب سرکشیک در دوره صفویه عبارت بود از «نواب مستطاب معلى القاب، سیادت و صدارت و اقبال پناه، نقابت و هدایت و اجلال دستگاه، عالی‌جاه میرزا ابوصالح سرکشیک».<sup>۱۱۴</sup>

خدام: عمده‌ترین وظایف آن‌ها جارو کردن و مراقبت در روشنایی و نگهداری اسباب و اثاثیه داخل حرم مطهر، ممانعت از تکدی، نزاع و وقایع خلاف انتظامات و احترام گذاشتن به کسانی که برای زیارت داخل حرم مطهر می‌گردیدند و تنظیف و تطهیر داخل حرم مطهر از اهم وظایف خدام بود.<sup>۱۱۵</sup>

کلیه خدام هر کشیک در انجام خدمت، مطیع خادم‌باشی همان کشیک بوده و خادم‌باشیان مؤظف در مراقبت و ایفای وظایف خدام بودند.<sup>۱۱۶</sup> القاب به کار رفته برای خادم‌باشیان هر کشیک عبارت بود از «عالی‌حضرت سیادت و نجابت پناه» و یا «عالی‌حضرت سیادت و نجابت پناه، نقابت و هدایت دستگاه» بوده است.<sup>۱۱۷</sup>

برای خدامی که جزء طبقه اجتماعی بالا بوده و دارای مناصب دولتی بوده و یا وابسته به خاندان سادات و روحانیون و یا فرزند افراد بزرگ بودند از القاب و عناوینی مانند سیادت پناه، فضیلت پناه، افادت و افاضت پناه، رفعت پناه، شرافت پناه، نجابت پناه و ... استفاده می‌شد و برای افراد معمولی از عناوینی مانند حاجی، کربلایی، میرزا، مولا و خواجه استفاده می‌شد.<sup>۱۱۸</sup>

این مسئله در مورد سایر کارکنان کشیک مانند فراشان، دربانان، مؤذنان و کفشبانان هم صدق می‌کرد.<sup>۱۱۹</sup> با بررسی این اسناد متوجه می‌گردیم که پایگاه

اجتماعی دربانان و کفشبانان در آن دوره پایین‌تر از خدام و فراشان بوده است و برای همین از القاب و عناوین کمتری برای آن‌ها استفاده می‌گردیده است.

### القاب مدرسین، علما، حکیمان و ...

از آنجا که پادشاهان صفوی توجه ویژه به نشر علوم دینی و انتشار احادیث شیعه داشتند و رسیدن به این مقصود را منوط به تعیین و پرورش و حمایت از علما و ارباب فضل و یقین‌می‌دانستند لذا این دسته از افراد از اهمیت و اعتبار ویژه‌ای برخوردار بوده و در ترفیع و تکریم آن‌ها از هیچ تلاشی فروگذار نبودند. با ذکر این مختصر می‌پردازیم به ذکر القاب و عناوین این دسته از افراد.

### چند نمونه از القاب و عناوین مدرسان

۱- شرافت و افادت پناه، فضیلت و اباحت دستگاه، شمساً للشرافه و الفضیله مولانا محمد مؤمن، خادم آستانه مقدسه منوره سدره مرتبه عرش درجه. <sup>۱۲۰</sup>

۲- سیادت و نجابت پناه، افادت و افاضت دستگاه، هدایت و نجابت انتباه، عمده السادات و النقباء الکرام، زبده الاشراف و العلماء الفخام، زیناً للسیاده و النجابه و الافاده و الافاضه میر سید علیا تونی. <sup>۱۲۱</sup>

۳- در حکم انتصاب شاه سلطان حسین صفوی در مورد انتصاب محمد بدیع به سمت مدرسی آستان قدس از این القاب برای وی استفاده گردیده است. «شرافت و فضیلت پناه، افادت و افاضت دستگاه مهمی، شمساً لفضیله و الشرافه و الافاده و الافاضه، آقا محمد بدیع». <sup>۱۲۲</sup>

برای مجتهدین از القابی مانند «فضیلت پناه، افادت و افاضت دستگاه علامی، مولانا عبدالله شوشتری» و یا «فضیلت و عوان پناه، علامی فهامی، مجتهد الزمانی، مولانا عبدالله شوشتری». <sup>۱۲۳</sup>

برای واعظان از این القاب استفاده می‌شد: «افادت و افاضت پناه، فضیلت و کمالات دستگاه، صلاحیت شعاری، مولانا ابوالحسن واعظ دارالمؤمنین استرآباد و افادت و افاضت پناه، صلاحیت و مکرمت و کمالات دستگاه». <sup>۱۲۴</sup>

پزشکان حاذق: «سیادت و حذاقت پناه». <sup>۱۲۵</sup>

کتابداران: «سیادت و فضیلت و نجابت پناه، زبده السادات العظام، و یا «سیادت و نجابت پناه، فضیلت و کمالات دستگاه، نتیجه السادات العلماء العظام» و یا از القابی مانند «صلاحیت آثار، صلاحیت شعار، تقوی آثار، رفعت و عزت پناه» می‌توان نام برد.<sup>۱۲۶</sup>

حفاظ که با قرآن و کلام الله مجید سروکار داشتند از القابی مانند: «فضیلت و افادت پناه، صلاحیت و تقوی شعار، اجود القراء» و یا «صلاحیت و تقوی شعار».<sup>۱۲۷</sup>

### عناوین کارکنان و مشاغل معمولی

در دوره صفویه برخلاف دوره قاجاریه که به هر یک از مشاغل یک کلمه تولیه افزوده می‌شد و افراد به این طریق صاحب لقب می‌شدند، ما شاهد آن هستیم که مشاغل معمولی و کم اهمیت تر فاقد هرگونه لقب خاصی می‌باشند و از عناوینی برای افراد استفاده می‌شد که وابستگی‌های آنان را به طبقات مختلف جامعه نشان می‌داد. به عنوان نمونه برای سادات از القاب «سیادت و نجابت پناه» استفاده می‌شد. برای طلاب علوم دینی و یا کسانی که در این زمینه اندک مطالعاتی را داشتند از القاب «صلاحیت و تقوی شعار» استفاده می‌شد. برای مشاغل نسبتاً مهم تر مانند مقامات دفتری و افراد مسؤول قسمت‌های مختلف عمدتاً از لقب «رفعت و عزت پناه» استفاده می‌شد.

اگر کسی به خاندان‌های مهم و با اصالت به غیر از سادات وابستگی داشت از عنوان «شرافت پناه» استفاده می‌کرد. برای کسانی که در کار خود بسیار خبره و سرآمد دیگران بودند از عنوان «نادرالعصری و نادرالزمانی» استفاده می‌شد. اگر کسی به هر دلیلی سعادت خدمت در این دستگاه مقدس را پیدا می‌کرد که به صورت موروثی به او نرسیده بود از عنوان «سعادت نصاب» برای او استفاده می‌گردید. برای افرادی که در کار خود متبحر بودند از عنوان «استاد» استفاده می‌گردید. به کار بردن عناوین عادی مانند «خواجه، درویش، حاجی، میر، میرزا، مولا و مولانا» هم که بسیار رایج و مصطلح بود.

چون القاب و عناوین به کار رفته برای افراد تابع عوامل فوق‌الذکر بود ما نمی‌توانیم ادعا کنیم که برای مشاغل مختلف از القاب خاصی استفاده می‌گردید و

برای این القاب کارکنانی که دارای شغل یکسان بودند با یکدیگر تفاوت آشکار داشتند به عنوان نمونه برای همه دربانان آستان قدس از یک لقب و عنوان خاص استفاده نمی‌گردید و این برای مشاغل دیگر به جز مناصب رده بالا که در آستان قدس مشغول فعالیت بودند صدق می‌کرد.<sup>۱۲۸</sup>

### القاب زنان

زنان را در دوره صفویه می‌توان به دو گروه تقسیم کرد، دسته اول: زنان معمولی جامعه بوده و معمولاً نسبتی با یکی از کارکنان آستان قدس داشته و یا جزء سادات بودند و یا هم وارثان علما و فضلا بودند. برای این گروه در عناوین و القاب به کار رفته بیشتر به مسئله عصمت و پاکدامنی آن‌ها اشاره می‌شد مانند «عصمت پناه و عفت دستگاه» بعد از آن به ایمان و تقوای زنان اشاره می‌گردید «تقوت دستگاه، صالحه و...» و چنان که جزء سادات بودند از عنوان «سیده» و «سیادت پناه» برای آن‌ها استفاده می‌گردید و کسانی که با کارکنان بلند پایه آستان قدس و سایر جاها نسبت داشتند از القاب «معظمه مکرمه» برای آن‌ها استفاده می‌شد<sup>۱۲۹</sup>، همچنین زنان به اصطلاحاتی نظیر «عورات، اناث ازوجه و آغا»، خطاب می‌شدند.<sup>۱۳۰</sup>

دسته دوم: زنانی که جزء خانواده‌های اشراف بودند پس از به کار بردن القابی مانند «علیا حضرت، والا منزلت» که نشان‌دهنده وابستگی آن‌ها به مقامات مهم سلطنتی بود سپس آن‌ها را در سیرت و عفت و پاکدامنی، داشتن مقام بالا و خصوصیات اخلاقی خوب به زنان معروف تاریخ که نام آن‌ها در قرآن ذکر شده مانند حضرت مریم مقدس، آسیه و بلقیس ملکه صبا و با زنان معروف تاریخ اسلام مانند حضرت فاطمه زهرا، حضرت خدیجه و... تشبیه می‌کردند. در مورد چهره و صورت آن‌ها را به خورشید و ماه تشبیه نموده و در انتها به مسایلی از قبیل عصمت، عفت، پاکدامنی، پاکیزگی و... اشاره می‌کردند. یک نمونه از این القاب در دوره صفویه عبارت بود از: «علیا حضرت، والا منزلت، فاطمه سیرت، بلقیس مرتبت، قمر طلعت، خورشید خاصیت، عصمت و عفت پناه، طهارت و خدارت دستگاه، نزهت و نظافت اکتناه، مریم مکان، خدیجه‌الدوران، آسیه الشان».<sup>۱۳۱</sup>



## تحلیل کلی القاب به کار رفته برای افراد

در دوره صفویه برای کارکنان رده بالای آستان قدس مانند متولی، نایب متولی، ناظر، مستوفی و... القاب و عناوین مشخصی به کار برده می‌شد که در متن مقاله به آن‌ها اشاره کردیم.

کارکنان مشاغل رده پایین‌تر هم بستگی به موقعیت اجتماعی که داشتند از القاب و عناوینی برخوردار بودند و برای سایرین هم از خطاب‌های معمولی مانند حاجی، میرزا و... استفاده می‌گردید.

در آن دوره علاوه بر آن که خود تشکیلات وابسته به امام رضا(ع) از عناوین خاصی برخوردار بود. در انتهای نام برخی از اماکن پیرامون حرم مطهر از یک لقب استفاده می‌شد مانند «مطبخ معموره سرکار فیض آثار» که اشاره به آن بود که همیشه دایر و برقرار باشد و یا در کتابخانه آستان قدس که عمدتاً محل نگهداری مصاحف مقدسه، کتب دینی، اخلاقی و... بود. در مکاتبات عمدتاً نام «کتابخانه مبارک سرکار فیض آثار» را به کار می‌بردند.

برای افراد حکیم از لقب «حکمت پناه» استفاده می‌شد. برای تازه مسلمانان به خاطر توفیقی که به خاطر مشرف شدن به دین مبین اسلام نصیبشان گردیده از لقب «توفیق آثاری» استفاده می‌گردید.<sup>۱۳۲</sup> البته از این لقب برای کسانی که مصدر خدمات در تشکیلات آستان قدس بودند هم استفاده می‌شد.

کسانی که در کار خود بسیار خوب و ورزیده بودند برای آن‌ها از لقب «زبده» هم استفاده می‌گردید. مانند «زبده الفقها و المجتهدین، زبده الحکماء» و عموماً برای طبقه عالم و دانشمند به کار می‌رفت و برای بزرگان خاندان سادات نیز از عنوان «زبده السادات» استفاده می‌گردید.

افرادی که در جزء عمال یا ارباب مناصب مهم در آستان قدس بودند در هنگام نوشتن نام خود از باب مناعت طبع و افتادگی به جای استفاده از القاب پر طمطراق از عباراتی مانند «کمترین بندگان آستان ملایک پاسبان، بنده کمترین، العبد الاقل، اقل خلق الله و...» استفاده می‌کردند.<sup>۱۳۳</sup> سایر مشاغل رده پایین هم عموماً از همین عناوین استفاده می‌کردند. برخی خود را دعاگوی دوام دولت و حکومت

صفوی و یا پادشاه وقت می‌دانستند.<sup>۱۳۴</sup> برای سادات از القاب «سیادت، نجابت و نقابت پناه» استفاده می‌شد و اگر در سلک فضلا بود «افادت» یا «فضیلت پناه» هم برای آن‌ها به کار می‌رفت و اگر دارای مشاغل مهمی بود از القاب مخصوص به آن هم استفاده می‌کرد.

برای افراد صالح و متقی از لقب «صلاحیت شعار و تقوی آثار» استفاده می‌گردید و گاهی اطبا حاذق را با پزشکان معروف یونان باستان مانند جالینوس و بقراط مقایسه می‌کردند و برای پزشکانی که در معالجه و مداوای بیماران بسیار خوب عمل می‌کردند و در اصطلاح عامیانه دست آن‌ها خوب و سبک بود از لقب «مسیح الانفاس» استفاده می‌گردید.<sup>۱۳۵</sup>

متکلمان، فقها، علما، دانشمندان، طلاب علوم دینی، خطبا و قاریان قرآن عموماً القابی مشابه به یکدیگر داشته و در آن‌ها به فضایی مانند علم و کمال و تقوی و خدمتگزاری در دین اشاره می‌گردید که مردم از افادات و افاضات آن‌ها استفاده و بهره می‌بردند و در انتها به علوم یا رشته‌ای که در آن صاحب تخصص بودند اشاره می‌گردید.

در مجموع می‌توان گفت در دوره صفویه مردم به مکاتبات خود اهمیت بسیار می‌دادند، زیرا معتقد بودند که مراد از نویسندگی نمایاندن قدرت نویسنده بوده و هر نوشته‌ای باید دارای ارزشی والا باشد و به این منظور نامه‌های خود را فصیح و با سجع و قافیه می‌نگاشتند و عبارات به کار رفته در آن‌ها بسیار رسا و شیوا بود. با توجه به این اصول در گفتار و نوشتار خود از اصطلاحات مؤدبانه و مناسب برای افراد با توجه به پایگاه اجتماعی آنان استفاده می‌کردند و از به کار بردن برخی عبارات سخیف و ناشایسته احتراز می‌کردند. در آن دوره القاب به کار رفته معمولاً دلالت بر مدح افراد بود نه بر ذم آن‌ها و خطاب‌ها و عناوین برای توقیر و تعظیم افراد پیش از اسم آن‌ها به کار می‌رفت.

## بی‌نوشت‌ها

۱. احمد اشرف، «لقب و عنوان»، *در زمینه ایران‌شناسی*، به کوشش چنگیز پهلوان، تهران، پهلوان، ۱۳۶۸، ص ۲۶۷.
۲. همان، ص ۲۷۴ و ۲۷۳.
۳. محمد بن هندو شاه نخجوانی، *دستورالکاتب فی تعیین المراتب*، به تصحیح عبدالکریم علی اوغلی عزیزاده، مسکو، آکادمی علوم اتحاد شوروی، انستیتوی ملل آسیا، ۱۹۶۴م، ج ۱، ص ۶.
۴. محمد بن عبدالخالق المیهنی، *دستور دبیری*، به تصحیح عدنان صادق ارزی، انقره، انتشارات دانشگاه الهیات آنقره، ۱۹۶۲م، ص ۱۳ و ۱۲.
۵. همان، ص ۱.
۶. هندوشاه نخجوانی، *دستورالکاتب فی تعیین المراتب*، ج ۱، ص ۶.
۷. همان منبع، ص ۱۶۷، ۶۰.
۸. ابوعلی حسن طوسی، خواجه نظام الملک، *سیر الملوک*، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۰، ص ۱۸۹.
۹. همان، ص ۱۹۹.
۱۰. ابی العباس احمد بن علی القلقشندی، *صبح الاعشی فی صناعة الانشاء*، مصحح شیخ محمد عبدالرسول، مصر، مؤسسه المصریه العامه، ۱۹۶۳م، جلد اول، ص ۵۰ تا ۴۶.
۱۱. اسکندریگ ترکمان، *عالم آرای عباسی*، تصحیح ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳، چاپ سوم، جلد اول و نیمی از جلد دوم، ص ۳.
۱۲. میرزا رفیعا، *دستورالملوک*، به کوشش محمد اسماعیل ماچینکوفسکی، ترجمه علی کردآبادی، با مقدمه دکتر منصور صفت‌گل، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۴.
۱۳. میرزا محمد طاهر قزوینی، *تاریخ جهان آرای عباسی*، به تصحیح سید سعید میر محمدصادق، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳، صص ۴۱۷ و ۴۱۶.
۱۴. *توسل*، نسخه خطی، مؤلف نامعلوم، کاتب محمد باقر (کتاب حتی صفحه شماری هم نگردیده است)، به شماره ۶۲۹۳ کتابخانه ملی ملک.
۱۵. فرید، رانلد دبلیو، *برگزیده و شرح سفرنامه شاردن*، ترجمه حسین هژیریان و حسن اسدی، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۸۴، ص ۲۶۲.

۱۶. اولتاریوس، آدام؛ *سفرنامه آدام اولتاریوس، اصفهان خونین شاه صفی*، ترجمه مهندس حسین کردبچه تهران، انتشارات شرکت کتاب برای همه، ۱۳۶۹، ج دوم، ص ۶۴۵.
۱۷. فرید، رانلد دبلیو، *بوگزیده و شرح سفرنامه شاردن*، ص ۲۲۷.
۱۸. *سفرنامه آدام اولتاریوس*، ج دوم، ص ۶۴۶ و ۶۴۵.
۱۹. *ترسل*، نسخه خطی، همان.
۲۰. قاضی احمد قمی، *گلستان هنر*، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، کتابخانه منوچهری، ۱۳۵۹، چاپ دوم، ص ۱۳۶.
۲۱. محمد بن هندوشاه نخجوانی، *دستورالکاتب فی تعیین المراتب*، ج ۲، ص ۲۸ تا ۲۳.
۲۲. تزوکات تیموری به تحریر ابوطالب حسینی تربتی به فارسی با ترجمه انگلیسی آن از روی چاپ ۱۷۷۳ شهر آکسفورد، تهران، کتابفروشی اسدی، ۱۳۴۲، ص ۳۵۶.
۲۳. شاه طهماسب صفوی، *تذکره شاه طهماسب شرح وقایع و احوالات زندگانی شاه طهماسب صفوی به قلم خودش*، برلین، به کوشش چاپخانه کاویانی، ۱۳۴۳ قمری، ص ۶۳ و ۴۳ و قاضی احمد بن شرف الدین الحسین الحسینی قمی، *خلاصه التواریخ*، به تصحیح دکتر احسان اشراقی تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۹، ص ۳۳۹.
۲۴. *عالم آرای عباسی*، جلد اول و نیمی از جلد دوم، ص ۱۴۳.
۲۵. فن سیاق، مربوط به حساب، اعداد، اوزان و... می‌باشد و قاعده آن طریق خاصی است برای تعیین معاملات و تشخیص محاسبات عمال و مباشرین دیوان، لهذا می‌توان سیاق را علم حساب و کتاب نامید. محمد مهدی فروغ اصفهانی، محمد مهدی؛ *فروغستان، دانشنامه فن استیفا و سیاق*، به کوشش ایرج افشار، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۸، ص ۶۳.
۲۶. یوسف، رحیم لو، *القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه*، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۱، صص ۱۷ و ۱۶ پیشگفتار. در آنجا مؤلف نام میرزا علی نقی نصیری، خادم آستانه مقدسه منوره متبرکه که سدره مرتبه عرش درجه رضیه رضویه علی مشرفها الف سلام و تحیه را آورده و در توضیح مناصب مختلف خاندان نصیری در دستگاه صفویه پرداخته است اما هیچ توضیحی نداده که خادم آستانه مقدسه منوره... منظور این بوده که وی جزء خدام حرم مطهر امام رضا(ع) بوده است و به خاطر احترام و اهمیت خدمت در بارگاه منور رضوی شغل خادمی خود را مقدم بر شغل مجلس نویسی که از مشاغل بسیار مهم عصر صفویه بوده است، آورده است که در این مقاله با توضیح اسناد بی‌شمار مشخص شد که این عنوان و لقب و خطابی است که مخصوص آستان قدس رضوی در دوره صفویه بوده است.
۲۷. محمد دبیر سیاقی، «وقفنامه باغ‌های سلیمان آباد و صفی آباد قزوین»، *فصلنامه وقف میراث جاویدان*، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۵۷، ص ۷۳ تا ۶۴. در این مقاله با عنوان «روضه

منوره مطهره عرش درجه سدره مرتبه علیه التحیه و الثناء» مواجه هستیم. ایشان به این توضیح بسنده کرده‌اند. «این عنوانی است که بیشتر در خور و سزاوار مشاهد ائمه هدی(ع) و پیامبر اکرم(ص) است و معلوم نشد کجاست» اما با بررسی اسناد و مدارک متوجه می‌گردیم که این تعابیر برای آستان قدس رضوی به کار رفته است.

۲۸. محمد محسن مستوفی، *زبدة التواریخ*، به کوشش بهروز گودرزی، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۵، ص ۱۴ مقدمه.

۲۹. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۳۴۶۶/۳.

۳۰. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۳۴۶۶/۱.

۳۱. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۳۳۸۰/۳.

۳۲. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۳۳۸۰/۱.

۳۳. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۳۳۳۶/۱.

۳۴. همان منبع.

۳۵. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۵۴۷۳/۳؛ *عالم آرای عباسی*، جلد اول و نیمی از جلد دوم، ص ۵۹۷.

۳۶. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۴۷۵۱/۱.

۳۷. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۴۸۷۴/۱.

۳۸. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۳۵۹۶/۳، ترکمان، *عالم آرای عباسی*، جلد اول و نیمی از جلد دوم، ص ۵۶۸.

۳۹. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۴۴۷۷۸، سند شماره ۱ حکم شاه عباس در مورد تعلق مالیات املاک موقوفه باخرز و خواف به آستان قدس.

۴۰. قاضی احمد قمی، *خلاصه التواریخ*، تصحیح: احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۴۶ و ۴۳۹ و ۴۳۵ و ۴۳۴.

۴۱. محمد ابراهیم زین العابدین نصیری، *دستور شهریاران*، به کوشش محمد نادر نصیری مقدم، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۳، ص ۱۱۷ و ۱۱۶.

۴۲. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۳۳۲۷/۱.

۴۳. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۴۴۷۷۸ حکم انتصاب آقا محمدحسن به خادمی کشیک سوم.

۴۴. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۴۴۷۷۸، حکم شماره ۳ فرمان شاه سلیمان در مورد نحوه پرداخت مواجب حافظ عمارت و گنبد حاتم بیک.

۴۵. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ترکمان، **عالم آرای عباسی**، جلد اول و نیمی از جلد دوم، ص ۵۶۷.
۴۶. همان، جلد دوم، ص ۶۱۲ تا ۶۱۰ و ۸۵۴.
۴۷. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۴۴۷۷۸، حکم شاه عباس در مورد واگذاری سیورغال به یک روحانی؛ ترکمان، **عالم آرای عباسی**، نیمه دوم جلد دوم، ص ۸۵۴؛ هربرت بوسه، **پژوهشی در تشکیلات دیوانی اسلامی**، ترجمه دکتر غلامرضا ورهرام، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷، ص ۲۷۴؛ محمد یوسف واله قزوینی اصفهانی، **خلد برین، حدیقه ششم و هفتم از روضه هشتم**، به تصحیح دکتر محمدرضا نصیری، (تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰)، ص ۳۶۵.
۴۸. ترکمان، **عالم آرای عباسی**، نیمه دوم جلد دوم، ص ۶۱۰.
۴۹. **زبده التواریخ**، ص ۱۱۸.
۵۰. **صورت و سواد وقفنامه کلیه املاک موقوفه آستان قدس یا اسناد وقف آستان قدس از ۱۲۸۵ تا ۱۹۳۱ ق**، نسخه خطی ۲۹۸۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ص ۳۲۹ و ۳۰۳.
۵۱. میرزا رفیعا، **دستورالملوک**، ص ۱۷۷ تا ۱۷۵؛ ابوالفضل حسن آبادی «متولیان آستان قدس رضوی از دوره صفویه تا افشاریه» **دفتر اسناد**، به کوشش زهرا طلایی، مشهد، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵، ج ۲ و ۳، ص ۸۰.
۵۲. **دستورالملوک**، ص ۱۷۷.
۵۳. میرزا محمد خلیل مرعشی صفوی، **مجمع التواریخ** در تاریخ انقراض صفویه و وقایع بعد از سال ۱۲۰۰ ق، به اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران، کتابخانه طهوری و سقایی، ۱۳۶۲، ص ۶۰ و ۵۹.
۵۴. **دستورالملوک**، ص ۲۰۹ تا ۱۷۳.
۵۵. دفتر اسناد ج ۲ و ۳، ص ۷۳.
۵۶. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۱۸۸۸۱.
۵۷. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۲۸۰۳/۱ و ۲۲۸۱۸/۱.
۵۸. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۲۸۰۴/۱.
۵۹. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۲۸۱۷/۱.
۶۰. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۲۶۰۳/۱.
۶۱. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۲۶۲۱.
۶۲. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۲۸۱۹/۱.

۶۳. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۲۸۲۴/۱.
۶۴. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۸۴۵۱ و ۲۸۴۶۲/۱.
۶۵. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۸۴۵۵/۱، مربوط به پرداخت وظیفه به حاج غلامحسین خراسانی در سال ۱۰۲۷ ه.ق می‌باشد.
۶۶. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۸۴۵۳/۱.
۶۷. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۲۸۱۷/۱.
۶۸. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۸۴۵۴/۱.
۶۹. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۸۴۵۴/۱ مربوط به پرداخت وظیفه به افراد در سال ۱۰۲۷ ه.ق.
۷۰. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۸۴۹۲/۲۳ و ۲۸۶۰۹/۱ مربوط به پرداخت مواجب و حق‌التولیه تقی‌الدین محمد الرضوی است که از سال (۱۰۹۳ - ۱۰۷۷ ه.ق) متولی آستان قدس رضوی بوده است.
۷۱. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، اسناد به شماره‌های ۲۲۸۰۷، ۱۸۸۸۱/۱ و ۲۸۸۱۷/۱.
۷۲. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳ و ۲۲۶۰۳/۱.
۷۳. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۷۷۱۳.
۷۴. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۸۸۱۹/۱ لقب مربوط به شاه تقی‌الدین محمد رضوی است.
۷۵. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۳۳۲۱/۱ لقب مربوط به میرزا داود حسینی متولی آستان قدس از سال (۱۱۳۳ - ۱۱۰۹ ه.ق) می‌باشد.
۷۶. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۳۳۳۶/۲ لقب مربوط به میرزا محمد باقر رضوی متولی آستان قدس از سال (۱۰۷۴ تا ۱۰۵۵ ه.ق) می‌باشد.
۷۷. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۱۸۸۸۱/۱ لقب مربوط به قاضی سلطان‌الحسینی معروف به تربتی از سال (۱۰۲۶ تا ۱۰۰۷ ه.ق) متولی آستان قدس رضوی بوده است.
۷۸. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۸۴۸۰/۱.
۷۹. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۸۴۷۷/۱.
۸۰. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۸۴۸۴/۱.

۸۱. علی سوزنچی کاشانی، **دفتر اسناد جلد دوم و سوم** «مقاله نایب‌التولیه‌های آستان قدس از دوره صفویه تا قاجاریه» ص ۲۶-۱۲.
۸۲. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۴۲۳۶/۷ نامبرده فرزند میرزا داود حسینی متولی آستان قدس بود که به نیابت از پدر به امور آستان قدس رسیدگی می‌کرد.
۸۳. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۴۵۱۳.
۸۴. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۸۵۶۳/۱.
۸۵. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۸۵۶۴/۱.
۸۶. **دستورالملوک**، ص ۲۰۷ و ۲۰۶ و القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه، ص ۴۷ تا ۴۵.
۸۷. القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه، ص ۴۷.
۸۸. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، اسناد به شماره ۸ و ۶ و ۴ و ۲۲۶۲۴/۲، مربوط به سال ۱۰۱۷ هـ. ق دوره تولیت سلطان حسین تربتی.
۸۹. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، اسناد به شماره ۳۳۲۳۶/۵ و ۳۳۲۳۶/۴، مربوط به سال ۱۰۷۰ هـ. ق دوره سلطنت شاه عباس دوم.
۹۰. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۴۴۶۶/۳، مربوط به سال ۱۱۳۱ ق. دوره سلطنت شاه سلطان حسین.
۹۱. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۲۳۲۶/۲، ۲۲۶۲۳/۲ و ۲۲۸۱۹/۲، ۲۲۸۰۱/۲.
۹۲. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۴۴۹۴۳/۲.
۹۳. پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی، ص ۳۰۷ و ۲۹۵ و سند شماره اموالی ۴۴۷۷۸.
۹۴. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۳۴۶۶/۳.
۹۵. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۲۳۲۶/۲ سال ۱۰۹۰ ق.
۹۶. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۲۸۰۱/۲.
۹۷. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۸۵۳۱/۱، سال ۱۰۷۷.
۹۸. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۸۵۲۵/۱، ۳۳۴۶۶/۳ و ۳۳۳۶۱/۱.
۹۹. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۴۸۷۷/۱.
۱۰۰. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۸۴۹۸/۳.



۱۰۱. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۳۶۴۲/۱.
۱۰۲. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۴۶۵۰ تمام صفحات.
۱۰۳. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۳۳۶۱/۱.
۱۰۴. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۳۳۳۹/۲.
۱۰۵. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۲۸۰۳/۲.
۱۰۶. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۴۶۴۶ تمام صفحات و ۳۴۵۳۳/۱.
۱۰۷. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۴۸۶۸/۳.
۱۰۸. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۴۶۴۳/۱.
۱۰۹. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۴۸۲۱/۵.
۱۱۰. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۲۸۰۴/۱.
۱۱۱. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۲۸۱۷/۱.
۱۱۲. سید حسن حسینی، «نظامنامه خدمات کشیکی آستان قدس در سال ۱۳۰۷ش»، *دفتر اسناد*، ج ۱، مشهد، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱، ص ۱۱.
۱۱۳. محمدتقی، رکن الدوله، نظامنامه سرکشیکان و خادمان باشیان آستان قدس، نسخه خطی به شماره ۲۰۱۲، کتابخانه دانشکده ادبیات مشهد، ص ۹ و ۶ و سند شماره ۴۶۷۹.
۱۱۴. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۴۱۱۱/۱.
۱۱۵. حسینی، *دفتر اسناد*، جلد اول، ص ۱۷.
۱۱۶. همان، ص ۱۷.
۱۱۷. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۴۸۶۷/۱ و ۳۴۱۱۲/۱.
۱۱۸. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۴۸۶۵ و ۳۴۸۶۷ تمام صفحات.
۱۱۹. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به اسناد شماره‌های اموالی ۳۴۵۱۴ برای فراشان، ۳۴۱۰۵ کفشبانان و ۳۴۰۹۷ دربانان.
۱۲۰. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۳۳۸۰/۹.
۱۲۱. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۸۵۲۵/۱.
۱۲۲. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۱۳۳۱۷/۱.

۱۲۳. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۸۴۷۱/۲۹ و ۲۸۴۷۰/۵۵ اسناد فوق مربوط به پرداخت وظیفه به بازماندگان شیخ عبدالله شوشتری می‌باشد که در تهاجم ازبک‌ها به سال ۹۹۸ ه.ق به مشهد توسط آن‌ها دستگیر شد.
۱۲۴. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲ و ۲۲۸۰۵/۱.
۱۲۵. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳/۳۴۸۵۱.
۱۲۶. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، اسناد به شماره‌های ۳/۳۳۴۶۶، ۴/۳۳۲۳۶، ۵۲۷۰۹ و ۳۲۷۰۵.
۱۲۷. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، اسناد شماره ۱/۲۸۵۳۲.
۱۲۸. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به اسناد از شماره‌های ۲۲۸۳۰ الی ۲۲۸۰۴ و ۲۸۵۴۰ الی ۲۸۴۶۶.
۱۲۹. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، اسناد به شماره‌های ۱/۲۸۴۵۱، ۲۸۴۷۰ و ۲۸۵۳۹.
۱۳۰. زهرا، طلایی، «بررسی اسناد زنان شاغل در حرم امام رضا(ع) از دوره صفویه تا قاجاریه»، **دفتر اسناد**، ج ۲ و ۳، ص ۱۴۹.
۱۳۱. نسخه خطی کتاب ترسل فاقد صفحه شماری.
۱۳۲. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۴۶۳۲/۶۶.
۱۳۳. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، اسناد به شماره ۲۸۴۹۱ و ۲۸۴۸۹.
۱۳۴. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۸۴۹۲/۲۳ و ۲۸۴۹۶/۳.
۱۳۵. نسخه خطی کتاب ترسل.